

# سبک‌های مقابله‌ای والدین با هیجان‌های منفی کودکان: نقش واسطه‌ای

## نظم‌جویی هیجان در والدین دارای فرزند درخودمانده

### Explaining the Parents' Coping Styles with Children's Negative Emotions: The Mediating Role of Emotion Regulation Among Parents with Autistic Children

Fereshteh Babaei

MSc student in general Psychology  
Imam Javad University College

Mehdi Tavallaei, PhD

Imam Javad University College

مهدی تولائی\*

استادیار، گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی  
موسسه آموزش عالی امام‌جواد (ع)

فرشته بابائی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی  
موسسه آموزش عالی امام‌جواد (ع)

Alireza Sharifi Ardani, PhD

University of Shiraz

Rayyan Rajabi

MSc student in general Psychology

ریان رجبی

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

علیرضا شریفی اردانی

دکتری روان‌شناسی تربیتی  
دانشگاه شیراز

#### چکیده:

هدف این پژوهش تعیین سبک‌های مقابله‌ای والدین با هیجان‌های منفی کودکان با توجه به نقش واسطه‌ای نظم‌جویی هیجان در والدین دارای فرزند درخودمانده بود. این پژوهش از نوع توصیفی از نوع همبستگی بود و جامعه آماری والدین دانش‌آموزان دارای اختلال درخودماندگی در مدارس کودکان استثنایی شهر بندرعباس در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود که حدود ۳۰۰ نفر تخمین زده شد. با توجه به محدود بودن جامعه در دسترس تمام والدین به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شدند و ۲۵۰ نفر از آن‌ها به سبک‌های سرشت و منش (کلونینجر، ۱۹۸۶)، مقیاس مشکلات در نظم‌جویی هیجانی (گراتز و روئمر، ۲۰۰۴) و مقیاس سبک‌های مقابله‌ای با هیجانات منفی کودکان (فابس، آیزنبرگ و برونزوايگ، ۱۹۹۰) پاسخ دادند. یافته‌ها نشان داد منش همکاری و خودراهبری، تبیین‌کننده مثبت نظم‌جویی هیجانی در والدین دارای فرزند درخودمانده است. سرشت آسیب‌پرهیزی و پشتکار تبیین‌کننده‌های منفی نظم‌جویی هیجانی و سرشت پاداش وابسته تبیین‌کننده مثبت نظم‌جویی هیجانی و همچنین منش خودفراوری تبیین‌کننده مثبت سبک‌های برخورد حمایتی و غیرحمایتی و سرشت آسیب‌پرهیزی تبیین‌کننده منفی سبک‌های حمایتی بود. سرشت پاداش وابسته نیز تبیین‌کننده منفی سبک‌های غیرحمایتی و سرشت پشتکار نیز تبیین‌کننده مثبت سبک‌های غیرحمایتی بود. هیچ‌یک از مسیرهای واسطه‌ای معنا دار نبودند. به‌طور کلی می‌توان گفت ویژگی‌های سرشت و منش والدین می‌توانند تبیین‌کننده سبک‌های مقابله‌ای با هیجان‌های منفی والدین و همچنین نظم‌جویی هیجان آن‌ها باشند که هر دو نقش مهمی در اجتماعی شدن هیجانی فرزندان دارند.

**واژه‌های کلیدی:** نظم‌جویی هیجانی، سبک‌های برخورد با هیجانات منفی کودکان، ویژگی‌های سرشت و منش

#### Abstract

This study aimed to determine the coping styles with children's negative emotions with the mediating role of emotion regulation among parents with autistic children. The research design was descriptive-correlational and The statistical population of parents of students with autism disorder in the Exceptional children's schools in Bandar Abbas city in the academic year 2021-2022, which was estimated to be around 300 people., and due to the limited population available, all parents were considered as samples. Finally, 250 completed the Temperament and Character Inventory (Cloninger, 1986), Difficulties in Emotion Regulation Scale (Gratz & Roemer, 2004) and Coping Styles with Children's Negative Emotions (Fabes, Eisenberg & Bernzweig, 1990). Findings showed, that cooperative and self-directed character are positive explanations of emotion regulation in parents with autistic children. harm avoidance and persistence temperament were the negative explanations of emotion regulation and the Reward dependent temperament was a positive explainer of emotion regulation. The self-directiveness character was a positive explainer of supportive and non-supportive coping styles with children's negative emotions. Harm-avoidance temperament was a negative explainer of supportive coping styles with children's negative emotions. Reward-dependent temperament was a negative explainer of unsupportive coping styles with children's negative emotions. Persistence was also a positive explanation of non-supportive coping styles with children's negative emotions. None of the mediating paths were significant. In general, it can be said that the characteristics of the parents' temperament and character can explain the coping styles with children's negative emotions as well as their emotional regulation; Both of which play an important role in the emotional socialization of children.

**Keywords:** emotion regulation, parents' coping styles with children's negative emotions, temperament and character

received: 29/09/2022

accepted: 02/07/2023

دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۷

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

## مقدمه

کنند، به احتمال زیاد این موقعیت‌ها از سوی آن‌ها قابل مهارتر ارزیابی می‌شوند (آیزنبرگ، ۲۰۲۰). به نظر می‌رسد این راه‌حل برای والدین کودکان مبتلا به اختلال طیف درخودماندگی نیز صدق می‌کند، زیرا این روی‌آورد بیشتر برای این کودکان ضروری است و باید در نظر داشت که آن‌ها در شرایط تنیدگی‌زای اجتماعی نیاز بیشتری به حمایت والدین دارند.

آیزنبرگ، فابس و مورفی (۱۹۹۶) در پژوهش‌های خود شش سبک مقابله‌ای هیجانی والدین<sup>۵</sup> را معرفی کردند، که می‌توانند در دو دسته کلی طبقه‌بندی شوند. سبک‌های حمایتی برخورد<sup>۶</sup> که شامل واکنش متمرکز بر مشکل<sup>۷</sup>، واکنش متمرکز بر هیجان<sup>۸</sup>، تشویق ابراز هیجان<sup>۹</sup> و سبک‌های غیرحمایتی برخورد<sup>۱۰</sup> که شامل واکنش کمینه‌سازی<sup>۱۱</sup>، واکنش همراه با پریشانی<sup>۱۲</sup> و واکنش تنبیهی<sup>۱۳</sup> است (آیزنبرگ، فابس و مورفی، ۱۹۹۶). سبک مقابله‌ای هیجانی والدین می‌تواند تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار گیرد، به طوری که بلسکی (۱۹۸۴) در مدل فرایند والدگری<sup>۱۴</sup> خود بیان می‌کند، والدگری به روشی چندبعدی تعیین می‌شود و تحت تأثیر ویژگی‌های والدین، کودک و بافت اجتماعی خانواده قرار دارد. پژوهش‌های بسیاری نیز بر ویژگی‌ها<sup>۱۵</sup> و رگه‌های<sup>۱۶</sup> والدین تأکید کردند. شریفی اردانی و خرمایی (۲۰۲۲) نیز در پژوهش خود نشان داده‌اند، ویژگی‌هایی چون منش‌های اخلاقی<sup>۱۷</sup> می‌توانند نقش مهمی در سبک‌های والدین در برخورد با هیجان‌های منفی فرزندان داشته باشد. همچنین در پژوهشی دیگر شریفی و دیگران (۲۰۲۳) نشان داده‌اند که توانمندی‌های منش<sup>۱۸</sup> والدین به منزله ویژگی‌های مثبت فردی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده نحوه برخورد والدین با فرزندان در موقعیت‌های

والدین نقش اساسی در درک تجربیات و ابراز هیجان فرزندان خود دارند و می‌توانند با شناسایی هیجان‌ها، بحث در مورد اهمیت آن‌ها و ارائه الگویی از رفتارهای هیجانی در موقعیت‌های اجتماعی به اجتماعی‌شدن<sup>۱</sup> آن‌ها کمک کنند (آیزنبرگ، ۲۰۲۰؛ کوآی و دیگران، ۲۰۲۰). اجتماعی‌شدن فرزندان برای والدین کودکان با نیازهای ویژه<sup>۲</sup> دارای اهمیت بسزایی است. اختلال درخودماندگی<sup>۳</sup> یکی از اختلالات شایع در کودکان است. درخودماندگی، بیماری یا مجموعه‌ای از بیماری‌های مرتبط با رشد دستگاه عصبی است که با اختلال‌هایی در تعامل اجتماعی، ارتباطات و انعطاف‌پذیری رفتاری مشخص می‌شود. (کای، ریچدیل، اولیاریوچ، دیسانایکه و سامسون، ۲۰۱۸). محققان بر این باورند که کودکان مبتلا به اختلال طیف درخودماندگی نسبت به کودکان عادی بیشتر دچار اختلال در درک هیجان شده و دشواری‌های مشخصی را در نظم‌جویی هیجان دارند (مازفسکی، برو، دی و مینشیو، ۲۰۱۴). مشکلات در نظم‌جویی هیجان در موقعیت‌های اجتماعی می‌تواند دشواری‌هایی به لحاظ هیجانی برای کودک و برای والدین در والدگری ایجاد کند (مارتینز-گونزالس، سروین و پیکراس، ۲۰۲۲). واکنش والدین در موقعیت‌های دشوار هیجانی فرزندان به عوامل مختلفی بستگی دارد به طوری که برخی از محققان در نظریه‌ها و مدل‌های والدگری به نقش شخصیت والدین در والدگری و به‌ویژه در امر آموزش و الگودهی درک هیجانی<sup>۴</sup> تأکید دارند (آیزنبرگ، ۲۰۲۰؛ کوآی و دیگران، ۲۰۲۰). وقتی والدین فرزندان خود را راهنمایی می‌کنند تا موقعیت‌های اجتماعی تنیدگی‌زا را به‌عنوان چالش ببینند و به آن‌ها کمک می‌کنند تا مشکلات را حل

1. socialization
2. Children With Special Needs
3. Autism Spectrum Disorder (ASD)
4. emotional understanding
5. coping socialization of emotions
6. supportive parents' coping styles
7. problem-focused reaction (PFR)
8. emotion-focused reaction (EFR)
9. expressive encouragement (EE)

10. unsupportive parents' coping styles
11. minimization reactions (MR)
12. distress reactions (DR)
13. punitive reactions (PR)
14. process model of parenting
15. character
16. traits
17. moral character
18. character strengths

کلونینجر این سه بُعد را که هر یک دارای چهار مقیاس فرعی هستند معرفی کرد و بُعد چهارم را که فاقد زیرمقیاس است، پایداری<sup>۱</sup> یا پشتکار<sup>۹</sup> نامید (حق شناس، ۲۰۰۹؛ کویانی و پورناصح، ۲۰۰۵).

کلونینجر و سوراکیچ (۱۹۹۴) سه بُعد برای منش در نظر می‌گیرد که شامل بُعد خودراهبری<sup>۱۰</sup> بر پایه پنداشت از خویشتن به‌عنوان فردی مستقل که دارای زیرمجموعه‌های وحدت<sup>۱۱</sup>، احترام<sup>۱۲</sup>، شأن<sup>۱۳</sup>، اثربخشی<sup>۱۴</sup>، رهبری<sup>۱۵</sup> و امید<sup>۱۶</sup> است، بُعد همکاری<sup>۱۷</sup> بر پایه پنداشت از خویشتن به‌عنوان بخشی از جهان انسانی و جامعه قرار دارد که از آن حس اجتماعی<sup>۱۸</sup>، رحم و شفقت<sup>۱۹</sup>، وجدان<sup>۲۰</sup> و تمایل به انجام امور خیریه مشتق می‌شود. بُعد خودفراروی<sup>۲۱</sup> بر پایه مفهوم از خویشتن به‌عنوان بخشی از جهان و منابع پیرامون آن مطرح شده است که با پندارهای حضور رازگونه، ایمان مذهبی، متانت و صبوری غیرمشروط همراه است (کتابی، ماهر و برجعلی، ۲۰۰۸).

واکنش والدین در موقعیت‌های دشوار هیجانی، علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی (آیزنبرگ، ۲۰۲۰؛ شریفی اردانی و دیگران، ۲۰۲۳ و کوآی و دیگران، ۲۰۲۰)، می‌تواند تحت تأثیر ویژگی‌های هیجانی چون نظم‌جویی هیجانی آن‌ها نیز قرار گیرد به‌طوری که هائال و پالی (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که نظم‌جویی هیجانی والدین در کاهش اختلالات هیجانی و رفتاری کودکان از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌تواند هدایت‌کننده شیوه برخورد والدین با هیجان‌های منفی فرزندان باشد. شریفی اردانی و دیگران (۲۰۲۳) نشان داده‌اند نظم‌جویی هیجانی می‌تواند در تبیین سبک‌های برخورد والدین با

دشوار هیجانی باشد. بنابراین ویژگی‌های شخصیتی منبع مهمی برای شکل‌گیری سبک‌های برخورد والدین با هیجان‌های فرزندان است.

یکی از نظریه‌های مهم در حوزه شخصیت، نظریه زیستی روانی سرشت و منش<sup>۱</sup> کلونینجر (۱۹۸۷) است که شخصیت را دارای دو هسته سرشت و منش می‌داند؛ سرشت به‌عنوان هسته هیجانی شخصیت جنبه ارثی دارد و منش به‌عنوان هسته ادراکی تحت تأثیر عرف‌های اجتماعی و فرهنگی، یادگیری اجتماعی و خانوادگی و رویدادهای منحصربه‌فرد زندگی اشخاص شکل می‌گیرد. از نظر کلونینجر و سوراکیچ (۱۹۹۴)، تعامل سه نظام مستقل ژنتیکی، عصبی و زیست‌شناختی در سیستم اعصاب مرکزی (دستگاه‌های فعال‌سازی رفتاری<sup>۲</sup>، بازداری رفتاری<sup>۳</sup> و نگهداری رفتاری<sup>۴</sup>)، زمینه الگوهای منحصربه‌فرد پاسخ رفتاری به تجربه نو، پاداش و تنبیه را می‌سازد. فعال‌سازی رفتاری شامل فراخوانی رفتار در پاسخ به پدیده‌های نو و نشانه‌های پاداش یا رهایی از تنبیه است که افراد فعال در چنین فعالیت‌های رفتاری در ویژگی سرشت که «نوجویی»<sup>۵</sup> نامیده می‌شود، با یکدیگر متفاوت‌اند. بازداری رفتاری در پاسخ به نشانه‌های تنبیه یا فقدان پاداش روی می‌دهد و افراد به لحاظ قابلیت بازداری رفتاری، «آسیب‌پرهیزی»<sup>۶</sup> نامیده می‌شوند و با یکدیگر تفاوت دارند. رفتاری که در گذشته تقویت دریافت کرده است، حتی در شرایطی که تقویت ادامه نداشته باشد نیز تکرار می‌شود و حد تداوم رفتاری افراد پس از قطع تقویت که «پاداش وابسته»<sup>۷</sup> نامیده می‌شود نیز متفاوت است. بدین ترتیب در قسمت سرشت،

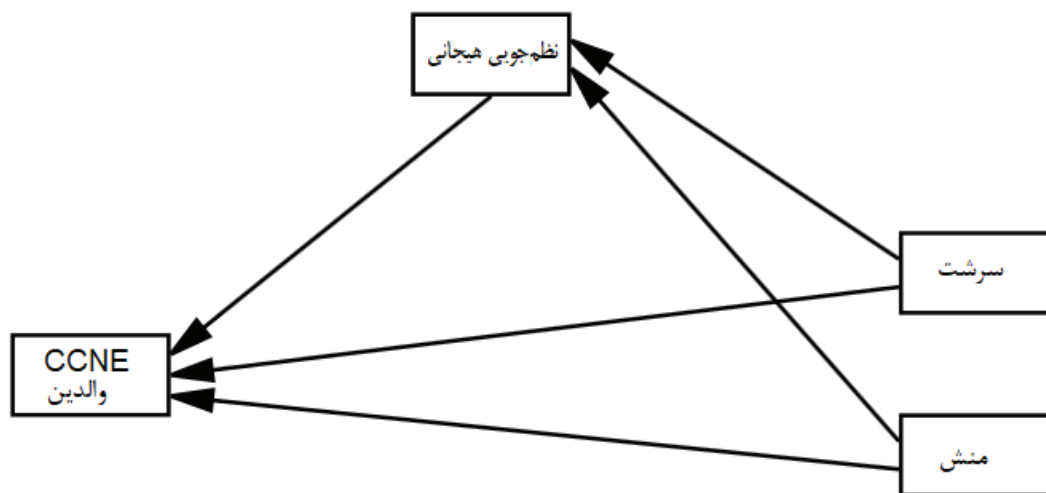
1. Cloninger's Psychobiological Model of Temperament and Character
2. behavioral activation
3. behavioral inhibition
4. behavioral maintenance
5. novelty seeking
6. harm avoidance
7. reward dependent
8. persistence
9. persistence (PS)
10. self-directiveness

11. unity
12. respect
13. dignity
14. effectiveness
15. leadership
16. hope
17. cooperativeness
18. social sense
19. compassion
20. conscience
21. self-transcendens

از آنجا که بر اساس نظریه زیستی روانی کلونینجر (۱۹۸۷) سرشت به‌عنوان هسته هیجانی و منش به‌عنوان هسته ادراکی است، به‌نظر می‌رسد هر کدام از این مؤلفه‌ها به واسطه تأثیر بر نظم‌جویی هیجانی والدین، می‌توانند منجر به سبک‌های برخورد با هیجان‌های منفی فرزندان در موقعیت‌های دشوار اجتماعی شوند.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته تاکنون پژوهشی به بررسی نقش ویژگی‌های سرشت و منش والدین در ارتباط با شیوه‌های برخورد با هیجان‌ها و نظمی‌جویی هیجانی آن‌ها نپرداخته است و بنابراین درک روابط ساختاری بین این متغیرها می‌تواند نقش مهمی در فهم چگونگی شکل‌گیری سبک‌های مقابله‌ای هیجانی والدین دارای فرزند درخودمانده داشته باشد که در نهایت منجر به اجتماعی‌شدن هیجانی می‌شود و منبع مهمی برای رشد اجتماعی فرزندان و به‌ویژه کودکان دارای اختلال درخودماندگی باشد. بر اساس آنچه پیشتر بیان شد، در این پژوهش ویژگی‌های سرشت و منش والدین به‌عنوان متغیرهای برون‌زای مدل در نظر گرفته شد که پیش‌آیند نظم‌جویی هیجانی و همچنین سبک‌های والدینی در واکنش به هیجان‌های منفی است. مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ آمده است.

هیجان‌های منفی فرزندان نقشی واسطه‌ای داشته باشد. نظم‌جویی هیجانی فرایندی است که دربرگیرنده همه راهبردهای هشیار و ناهشیار<sup>۱</sup> برای افزایش، حفظ یا کاهش یک یا چند جزء از یک پاسخ عاطفی است (گراس، ۲۰۰۱ نقل از بونفورد و دیگران، ۲۰۲۰). به نظر می‌رسد نظم‌جویی هیجانی فرایندی است که می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری واکنش‌های والدین در برخورد با هیجان‌های منفی فرزندان داشته باشد (اورناگی، اجلیاتی، پپ و گابولا، ۲۰۱۹؛ حجتی، قدم‌پور، عباسی، صنوبر، ۲۰۱۹؛ شریفی اردانی و دیگران، ۲۰۲۳؛ میرزائی، پاکدامن و علیزاده، ۲۰۲۰؛ هائال و پالی، ۲۰۲۰؛ والتنه، سواسون، دلای، فراسر و پارکر، ۲۰۲۰). افزون بر آن، پژوهش‌ها نشان داده‌اند سرشت و منش می‌تواند نقش مهمی در نظم‌جویی هیجانی داشته باشند (اقایوسفی، ترخان و فرمانی، ۲۰۱۷؛ بشرپور، عطارد و عینی، ۲۰۱۷؛ برادران، ۲۰۱۷؛ خرمائی، آزادی ده بیدی و حق جو، ۲۰۱۶) و به‌نظر می‌رسد نظم‌جویی هیجانی می‌تواند به عنوان مکانیزمی باشد که ویژگی‌های سرشت و منش والدین را به سبک‌های برخوردهای حمایتی یا غیرحمایتی با فرزندان در موقعیت‌های تنیدگی‌زا پیوند دهد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

## روش

این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل معادلات ساختاری استفاده شد. جامعه این پژوهش، والدین کودکان مبتلا به اختلال درخودماندگی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ شهر بندرعباس بودند که توسط متخصصان روان‌شناسی تشخیص اختلال درخودماندگی داده شدند. جامعه در دسترس پژوهش با توجه به محدود بودن تعداد دانش‌آموزان با اختلال درخودماندگی در مدارس دولتی و غیردولتی شهر بندرعباس ۱۵۰ نفر تخمین زده شدند؛ بنابراین ۳۰۰ نفر از والدین (پدر و مادر) جامعه در دسترس پژوهش را تشکیل دادند. البته بر طبق دیدگاه کلاین (۲۰۱۵) ملاک حداقل نمونه تحلیل معادلات ساختاری که حداقل ۲۰۰ مورد است در نظر گرفته شد و در نهایت ۲۵۰ نفر از والدین در پژوهش شرکت کردند (۱۲۵ نفر (۵۰٪) مادر و ۱۲۵ نفر (۵۰٪) پدر بودند. ملاک ورود به پژوهش تحصیلات حداقل دیپلم و داشتن فرزند دارای اختلال درخودماندگی بود. میانگین سنی والدین شرکت‌کننده در این پژوهش ۳۶/۵۸ سال (۶/۵۵ ±) و میانگین سنی فرزندان آن‌ها ۶/۴۳ سال (۲/۷۰ ±) بود.

برای تحلیل داده‌ها از روش معادلات ساختاری استفاده شد.

**سیاهه سرشت و منش<sup>۱</sup>** (کلونینجر، ۱۹۸۶). این سیاهه دارای دو بُعد سرشت و منش و ۱۲۵ ماده است و به صورت صحیح (۱) و غلط (۰) نمره‌گذاری می‌شود. چهار بُعد سرشت شامل نوجویی، آسیب‌پرهیزی، پاداش‌خواهی<sup>۲</sup> و پشتکار و سه بُعد منش شامل خودراهبری، همکار و خودفراروی است. نتایج تحلیل عاملی عقبایی، آهی، شهایی‌زاده و منصوری (۲۰۲۰) نشان داد شاخص‌های برآزش این سیاهه در سطح قابل قبولی است (NFI=۰/۹۲ RFI=۰/۸۷ IFI=۰/۹۳)

دیگران (۲۰۲۰). RMSEA=۰/۴۹ CFI=۰/۹۳ GFI=۰/۹

ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های سرشت شامل نوجویی، پشتکار، آسیب‌پرهیزی و پاداش وابستگی به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۳۶، ۰/۹۶ و ۰/۷۶ و زیرمقیاس‌های منش شامل خود راهبری، همکاری و خود فراروی به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۳۷ و ۰/۶۵ برآورد شد. در این پژوهش نیز تحلیل عاملی تأییدی به روش حداقل مربعات جزئی<sup>۳</sup> انجام شد و ماده ۵۹ از مؤلفه نوجویی، ماده ۸ از مؤلفه پشتکار، ماده ۲۷ از مؤلفه همکاری و ماده ۱۲۱ از مؤلفه خود فراروی و دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴۰ بودند که از تحلیل حذف شدند. مدل نهایی به لحاظ شاخص‌های برآزش مدل قبل از اصلاح مدل (SRMR=۰/۱۰) و (NFI=۰/۴۴) و بعد از اصلاح مدل (SRMR=۰/۰۸۴) و (NFI=۰/۶۱) است که نشانگر بهبود شاخص‌ها بعد از اصلاح مدل است. ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های سرشت شامل نوجویی ۰/۶۰، پشتکار ۰/۶۴، آسیب‌پرهیزی ۰/۷۷ و پاداش وابستگی ۰/۵۳ و برای زیرمقیاس‌های منش شامل خود راهبری، همکاری ۰/۸۵ و خودفراروی ۰/۸۲ به دست آمد.

## مقیاس مشکلات در نظم‌جویی

**هیجانی<sup>۴</sup>** (گراتز و روئمر، ۲۰۰۴) این مقیاس ۳۶ ماده‌ای دارای شش زیرمقیاس عدم پذیرش پاسخ‌های هیجانی، مشکل در اشتغال به رفتار هدفمند، مشکل در مهار برانگیختگی، عدم آگاهی هیجانی، دسترسی محدود به راهبردهای نظم‌جویی هیجانی و عدم وضوح هیجانی است (گراتز و روئمر، ۲۰۰۴). این مقیاس از همسانی درونی بالایی (۰/۹۳) برخوردار است. روایی و اعتبار مقیاس مشکلات در نظم‌جویی هیجانی برای اولین بار توسط خان‌زاده، سعیدیان، حسین چاری و ادریسی (۱۳۹۱) در جامعه ایرانی بررسی شد و ساختار

1. Temperament and Character Inventory (TCI)  
2. reward dependence

3. partial least squares  
4. Difficulties in Emotion Regulation Scale (DERS)

می‌شود. فابس، پولین، آیزنبرگ و مادن-دردیچ (۲۰۰۲) ضرایب آلفای کرونباخ را برای این ۶ سبک مقابله‌ای از ۰/۶۹ تا ۰/۸۵ محاسبه کردند و نشان دادند روایی محتوایی مقیاس سبک‌های مقابله با هیجانات منفی کودکان از لحاظ نظری با مقیاس‌های مشابه دیگر همگرا است. همچنین شریفی اردانی و خرمايي (۲۰۲۲) با تحلیل عاملی تأییدی، شاخص‌های برازش کل مدل را محاسبه (SRMR=۰/۰۹۸ و NFI=۰/۶۸) و اعتبار آن را با روش آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های حمایتی شامل مسئله‌محور ۰/۷۲، هیجان‌محور ۰/۶۷، تشویق ابراز هیجان ۰/۶۳ و برای زیرمقیاس‌های غیرحمایتی شامل به‌حداقل رساندن ۰/۶۲، تنبیهی ۰/۶۶ و پریشانی ۰/۶۲ و برای کل این مقیاس ۰/۷۷ به‌دست آوردند. در این پژوهش نیز تحلیل عاملی تأییدی انجام شد و بر اساس نتایج آن، ماده‌های ۱، ۷ و ۱۸ به‌دلیل ضعیف بودن بار عاملی آن‌ها از تحلیل حذف شدند. شاخص‌های برازش مدل در سطح (SRMR=۰/۱۰۸ و NFI=۰/۷۵) قرار داشت و ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های حمایتی مقیاس سبک‌های مقابله با هیجانات منفی کودکان شامل مسئله‌محور ۰/۸۲، هیجان‌محور ۰/۶۲ و تشویق ابراز هیجان ۰/۷۵ و کل زیرمقیاس‌های حمایتی برابر با ۰/۸۴ و همچنین برای زیرمقیاس‌های غیرحمایتی مقیاس سبک‌های مقابله با هیجانات منفی کودکان شامل به‌حداقل رساندن (کمینه‌سازی) ۰/۷۴، تنبیهی ۰/۷۷ و پریشانی ۰/۶۱ و کل زیرمقیاس‌های غیرحمایتی برابر با ۰/۸۲ بود.

#### یافته‌ها

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد آمده است.

عاملی آن با شش زیرمقیاس استخراج شده در پژوهش گراتز و روئمر (۲۰۰۴) هماهنگ بود. نتایج این پژوهش ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های این سیاهه را از ۰/۸۶ تا ۰/۸۸ و ضریب اعتبار بازآزمایی زیرمقیاس‌ها را پس از یک هفته از ۰/۷۹ تا ۰/۹۱ نشان داد.

در این پژوهش از نسخه مثبت این سیاهه که نظم‌جویی هیجانی را ارزیابی می‌کند، استفاده شد و برای بررسی روایی آن، تحلیل عاملی تأییدی انجام شد؛ ماده ۲۰ از مؤلفه رفتار هدفمند، ماده‌های ۳ و ۲۴ از مؤلفه مهار برانگیختگی، ماده ۳۴ از مؤلفه وضوح هیجانی، ماده ۱۰ از مؤلفه آگاهی هیجانی و ماده ۲۲ از مؤلفه راهبردهای نظم‌جویی هیجانی دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴۰ بودند که از تحلیل حذف شده‌اند. شاخص‌های برازش مدل قبل از اصلاح مدل (SRMR=۰/۹۸ و NFI=۰/۶۶) و بعد از اصلاح مدل (SRMR=۰/۰۸۱ و NFI=۰/۷۳) نشانگر بهبود شاخص‌ها بعد از اصلاح مدل است. ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های آگاهی هیجان ۰/۸۲، راهبرد نظم‌جویی هیجانی ۰/۸۲، رفتار هدفمند ۰/۸۵، وضوح هیجانی ۰/۷۳، پذیرش هیجان ۰/۹۰ و مهار برانگیختگی ۰/۸۷ برآورد شد که همه در سطح مناسبی قرار دارند.

#### مقیاس سبک‌های مقابله با هیجانات

**منفی کودکان**<sup>۱</sup> (فابس، آیزنبرگ و برونزوایگ، ۱۹۹۰). این مقیاس دارای ۱۲ سناریو و شش زیرمقیاس سبک مقابله والدین با هیجانات منفی کودکان شامل واکنش مسئله‌محور<sup>۲</sup>، واکنش هیجان‌محور<sup>۳</sup>، واکنش تشویق ابراز هیجان<sup>۴</sup>، واکنش به‌حداقل رساندن<sup>۵</sup> یا کمینه‌سازی، واکنش تنبیهی<sup>۶</sup> و واکنش پریشانی<sup>۷</sup> است. این مقیاس بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از بسیار بعید (نمره ۱) تا بسیار محتمل (نمره ۷) نمره‌گذاری

1. Coping Styles with Children's Negative Emotions (CCNES)  
2. problem-focused reaction  
3. emotion-focused reaction

4. expressive encouragement  
5. minimization reactions  
6. punitive reactions  
7. distress reactions

جدول ۱  
میانگین، انحراف استاندارد و شاخص نرمال بودن توزیع داده‌ها برای متغیرهای پژوهش

متغیر	مؤلفه‌ها	شاخص توصیفی		آزمون کولموگروف-اسمیرنوف		کجی	کشیدگی	
		SD	M	Z	Sig			
سبک‌های مقابله غیرحمایتی	تنبیهی	۵/۷۳	۱۴/۳۶	۱/۰۶	۰/۲۰۵	-۰/۷۲	-۰/۰۳	
	کمینه‌سازی	۶/۴۶	۲۶/۷۲	۱/۵۲	۰/۰۱۸	۰/۳۵	-۰/۳۶	
	پیشانی	۵/۵۳	۱۷/۰۲	۰/۸۹	۰/۳۹۹	-۰/۵۲	-۰/۰۶	
	کل	۱۳/۶۱	۵۶/۶۰	۰/۸۲	۰/۵۰۳	-۰/۱۶	-۰/۲۴	
سبک‌های مقابله حمایتی	مسئله محور	۶/۵۸	۳۲/۶۲	۱/۷۵	۰/۰۰۴	۰/۷۴	-۰/۹۳	
	هیجان محور	۵/۹۸	۲۶/۸۳	۰/۸۹	۰/۴۰۷	۰/۴۴	-۰/۱۵	
	تشویق ابراز	۵/۶۹	۳۲/۶۰	۱/۴۷	۰/۰۲۶	۰/۳۹	-۰/۷۴	
	کل	۱۴/۶۱	۹۲/۰۳	۱/۲۷	۰/۰۷۹	۰/۳۲	-۰/۹۷	
نظم جویی هیجانی	پذیرش هیجانی	۶/۲۶	۲۴/۲۲	۱/۱۸	۰/۱۱۹	-۰/۴۹	-۰/۳۰	
	رفتار هدفمند	۳/۲۹	۱۳/۴۴	۱/۸۸	۰/۰۰۲	۰/۰۵	-۰/۴۱	
	مهار برانگیختگی	۳/۲۹	۱۴/۸۹	۲/۱۳	۰/۰۰۱	۰/۳۲	-۰/۸۴	
	وضوح هیجانی	۲/۵۵	۱۱/۰۴	۱/۶۷	۰/۰۰۷	-۰/۳۹	-۰/۳۱	
	راهبرد نظم جویی هیجانی	۴/۳۲	۲۱/۴۱	۱/۸۱	۰/۰۰۳	۰/۷۹	-۰/۷۷	
	آگاهی هیجانی	۵/۲۳	۲۲/۰۶	۱/۲۷	۰/۰۰۸	-۰/۴۴	-۰/۱۹	
	کل	۱۵/۸۲	۸۵/۰۱	۰/۹۴	۰/۳۳۷	۰/۳۳	-۰/۲۴	
	سرشت	نوجویی	۲/۴۷	۷/۵۲	۱/۵۸	۰/۰۱۳	۰/۳۰	۰/۳۷
	آسیب‌پرهیزی	۴/۲۰	۹/۱۷	۱/۲۳	۰/۰۹۵	-۰/۳۵	۰/۳۰	
	پاداش وابسته	۲/۴۵	۷/۲۹	۱/۸۴	۰/۰۰۲	-۰/۰۳	-۰/۳۷	
پشتکار	۱/۱۷	۳/۰۳	۴/۵۷	۰/۰۰۱	-۰/۰۴	-۰/۸۶		
کل	۵/۳۶	۲۷/۰۳	۱/۴۹	۰/۰۲۳	۰/۲۳	-۰/۱۴		
منش	همکاری	۳/۶۰	۱۵/۲۲	۲/۲۷	۰/۰۰۱	۰/۸۴	-۰/۵۹	
	خودراهبری	۴/۸۵	۱۳/۶۸	۱/۵۶	۰/۰۱۵	-۰/۴۷	-۰/۱۵	
	خودفراروی	۳/۴	۸/۹۶	۲/۱۱	۰/۰۰۱	-۱/۰۱	-۰/۱۹	
	کل	۶/۸۶	۳۲/۹۲	۱/۵۱	۰/۰۲۱	۰/۱۰	۰/۰۷	

نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف<sup>۳</sup> و همچنین دو معیار کجی و کشیدگی توزیع بررسی شد. وجود توزیع غیرنرمال در روش حداقل مربعات جزئی که روشی مبتنی بر واریانس است، نسبت به روش‌های مبتنی بر کوواریانس مشکل زیادی ایجاد نمی‌کند (هایر و دیگران، ۲۰۱۶) اما ملاک کجی/کشیدگی مطلق نیز باید بررسی شود. نتایج نشان داد میزان کجی/کشیدگی در زیر سطح و یا  $\pm 1$  است که

در این پژوهش داده‌های مفقودشده<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار گرفت، به طوری که در متغیرهای پژوهش هنگامی که این داده‌ها بیش از ۱۵ درصد بودند، به توصیه‌هایر و دیگران (۲۰۱۶) آن مورد از تحلیل حذف و هنگامی که کمتر از ۵ درصد مقادیر در هر شاخص مفقود بودند، از جایگزین میانگین استفاده شد. داده‌های پرت<sup>۲</sup> چندمتغیری با استفاده از شاخص فاصله مهالونوبیس مشخص شدند و در بیشتر موارد، از مجموعه داده‌ها حذف شدند.

1. missing data  
2. outliers

3. Kolmogorov-Smirnov test

نشان‌دهنده قابل قبول بودن توزیع داده‌هاست. در تحلیل معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی جهت بررسی مقدار هم‌خطی چندگانه شاخص عامل تورم واریانس<sup>۱</sup> وجود دارد که برای این شاخص مقدار ۳/۳ در حالت

سخت‌گیرانه و مقدار ۵/۵ در حالت عادی پیشنهاد شده است (هایر و دیگران، ۲۰۱۶). در این پژوهش نتایج عامل تورم واریانس برای تمام متغیرهای آشکار بزرگتر از ۳ بود که نشان‌دهنده عدم وجود هم‌خطی است.

جدول ۲  
همبستگی بین سبک‌های مقابله با هیجانات منفی کودکان، نظم‌جویی هیجانی و سرشت و منش

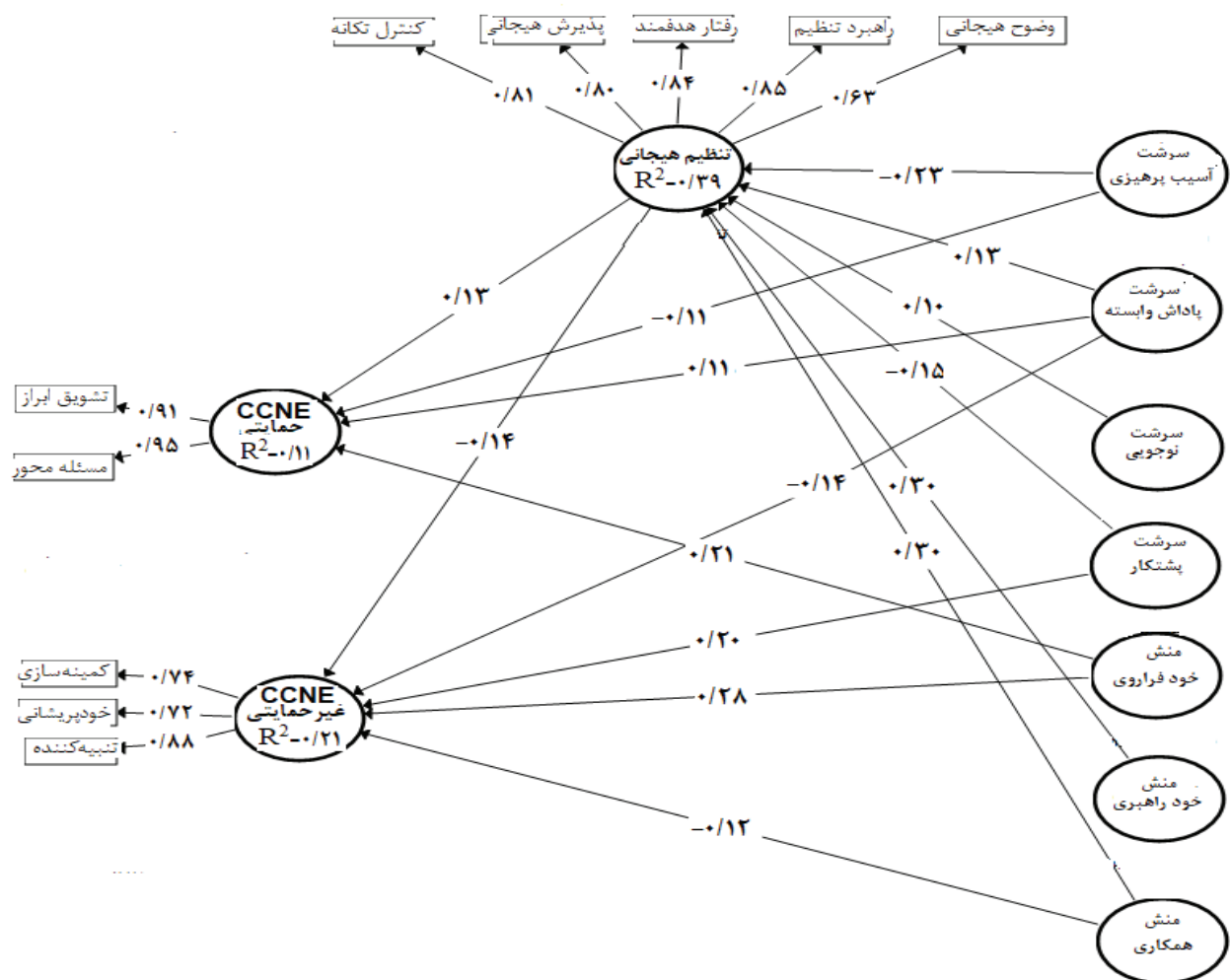
متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	
۱. تنبهی	-																		
۲. کتبیته‌سازی	۰/۲۹***	-																	
۳. پریشانی	۰/۵۳***	۰/۳۳***	-																
۴. مسئله‌محور	-۰/۱۹***	-۰/۱۹***	-۰/۳۳***	-															
۵. هیجان‌محور	-۰/۲۱***	-۰/۰۸	-۰/۰۱	-۰/۳۳***	-														
۶. تشویق اجاز	-۰/۱۳	-۰/۱۳	-۰/۲۳***	-۰/۲۳***	-۰/۲۹***	-													
۷. پذیرش هیجانی	-۰/۲۷***	-۰/۱۵	-۰/۳۰***	-۰/۲۰***	-۰/۰۵	-۰/۰۵	-												
۸. رفتار هدفمند	۰/۰۳	-۰/۲۷***	-۰/۱۸***	-۰/۱۶***	-۰/۰۶	-۰/۰۵	-۰/۰۳	-											
۹. مهار برانگیختگی	-۰/۰۸	-۰/۰۳	-۰/۲۴***	-۰/۲۴***	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۲۳***	-											
۱۰. وضوح هیجانی	-۰/۲۳***	-۰/۱۲	-۰/۲۵***	-۰/۲۵***	-۰/۰۲	-۰/۰۲	-۰/۲۱***	-۰/۲۱***	-										
۱۱. راهبرد نظم‌جویی	-۰/۲۶***	-۰/۱۶***	-۰/۳۰***	-۰/۳۰***	-۰/۰۶	-۰/۰۶	-۰/۲۹***	-۰/۲۹***	-۰/۰۵	-									
۱۲. آگاهی هیجانی	-۰/۱۴*	-۰/۰۸	-۰/۲۱***	-۰/۲۱***	-۰/۰۴	-۰/۰۴	-۰/۱۴*	-۰/۱۴*	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-								
۱۳. نوجویی	۰/۰۵	-۰/۰۵۷	-۰/۰۰۷	-۰/۰۰۷	-۰/۰۶	-۰/۰۶	-۰/۰۱۳*	-۰/۰۱۳*	-۰/۰۵	-۰/۰۵	-۰/۰۷	-							
۱۴. آسیب‌پذیری	-۰/۰۶	-۰/۱۲	-۰/۰۹	-۰/۰۹	-۰/۰۷	-۰/۰۷	-۰/۱۷***	-۰/۱۷***	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۱۳*	-۰/۱۳*	-						
۱۵. پاداش وابسته	-۰/۲۰***	-۰/۱۱	-۰/۲۰***	-۰/۲۰***	-۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۲۸***	-۰/۲۸***	-۰/۰۶	-۰/۰۶	-۰/۰۸	-۰/۰۸	-۰/۰۲	-					
۱۶. پستکار	-۰/۲۷***	-۰/۱۸***	-۰/۱۸***	-۰/۱۸***	-۰/۰۵	-۰/۰۵	-۰/۱۸***	-۰/۱۸***	-۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۰۹	-۰/۰۹	-۰/۰۸	-۰/۰۲	-				
۱۷. همکاری	-۰/۲۰***	-۰/۰۳	-۰/۱۹***	-۰/۱۹***	-۰/۰۷	-۰/۰۷	-۰/۱۶*	-۰/۱۶*	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-				
۱۸. خودراهبری	-۰/۰۹	-۰/۰۹	-۰/۲۱***	-۰/۲۱***	-۰/۰۷	-۰/۰۷	-۰/۱۴*	-۰/۱۴*	-۰/۰۵	-۰/۰۵	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-			
۱۹. خودفرآوری	۰/۲۵***	۰/۲۵***	-۰/۰۷	-۰/۰۷	-۰/۲۶***	-۰/۲۶***	-۰/۰۹	-۰/۰۹	-۰/۰۴	-۰/۰۴	-۰/۰۵	-۰/۰۵	-۰/۰۵	-۰/۰۵	-۰/۰۵	-۰/۰۳	-		

\* $p < 0.05$  \*\* $p < 0.01$



منفی در سطح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنادار هستند. برای درک بهتر روابط ساختاری بین این متغیرها از معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی استفاده شد که نتایج خروجی مدل بعد از اصلاح مدل و حذف مسیرهای غیرمعنادار در شکل ۱ قابل مشاهده است.

با توجه به ماتریس همبستگی می‌توان گفت روابط بین ابعاد سرشت و منش (نوجویی، آسیب‌پرهیزی، پاداش وابسته، پشتکار، همکاری، خودراهبری و خودفراروی) با نظم‌جویی هیجانی و همچنین سبک‌های حمایتی و غیرحمایتی برخورد با هیجان‌های منفی فرزندان به‌طور مثبت و



شکل ۱. نتایج معادلات ساختاری

و روابط ساختاری بین متغیرهای مکنون نیز همه در سطح معنادار است. یافته‌های مربوط به اثرات مستقیم و اثرات کل در جدول ۲ خلاصه شده است.

شکل ۱ نتایج نهایی مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری را در وضعیت استاندارد نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود مؤلفه‌ها دارای بار عاملی قابل قبولی با سازه‌های مربوطه هستند

اثرات کل			اثرات غیرمستقیم			اثرات مستقیم			جهت مسیرها
P	T	$\beta$	P	T	$\beta$	P	T	$\beta$	
۰/۱۲	۱/۵۳	۰/۱۴				۰/۱۲	۱/۵۳	۰/۱۴	نظم‌جویی هیجانی -> سبک‌های مقابله‌ حمایتی
۰/۲۲	۱/۲۳	-۰/۱۱				۰/۲۲	۱/۲۳	-۰/۱۱	نظم‌جویی هیجانی -> سبک‌های مقابله غیرحمایتی
۰/۰۰۱	۵/۲۹	۰/۲۹				۰/۰۰۱	۵/۲۹	۰/۲۹	منش همکاری -> نظم‌جویی هیجانی
۰/۲۱	۱/۲۴	۰/۰۹	۰/۱۴	۱/۴۷	۰/۰۴	۰/۵۵	۰/۵۹	۰/۰۵	منش همکاری -> سبک‌های مقابله‌ حمایتی
۰/۰۲	۲/۳۵	-۰/۱۵	۰/۲۴	۱/۱۶	-۰/۰۳	۰/۱۰	۱/۶۵	-۰/۱۲	منش همکاری -> سبک‌های مقابله غیرحمایتی
۰/۰۰۱	۴/۶۵	۰/۳۱				۰/۰۰۱	۴/۶۵	۰/۳۱	منش خودراهبری -> نظم‌جویی هیجانی
۰/۶۳	۰/۴۸	-۰/۰۴	۰/۱۵	۱/۴۲	۰/۴۳	۰/۲۸	۱/۰۸	-۰/۰۸	منش خودراهبری -> سبک‌های مقابله‌ حمایتی
۰/۰۳	۲/۱۹	۰/۱۶	۰/۲۴	۱/۱۶	-۰/۰۳	۰/۰۹	۱/۶۹	-۰/۱۳	منش خودراهبری -> سبک‌های مقابله غیرحمایتی
۰/۳۳	۰/۹۷	۰/۰۵				۰/۳۳	۰/۹۷	۰/۰۵	منش خودفراروی -> نظم‌جویی هیجانی
۰/۰۰۲	۳/۱۰	۰/۱۹	۰/۴۶	۰/۷۳	۰/۰۰۸	۰/۰۰۴	۲/۹۳	۰/۱۸	منش خودفراروی -> سبک‌های مقابله‌ حمایتی
۰/۰۰۱	۰/۴۵	۰/۲۷	۰/۵۰	۰/۶۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۴/۶۲	۰/۲۷	منش خودفراروی -> سبک‌های مقابله غیرحمایتی
۰/۰۰۱	۳/۳۰	-۰/۲۲				۰/۰۰۱	۳/۳۰	-۰/۲۲	سرشت آسیب‌پرهیزی -> نظم‌جویی هیجانی
۰/۰۱	۲/۵۰	-۰/۱۸	۰/۱۸	۱/۳۲	-۰/۰۳	۰/۰۵	۱/۹۳	-۰/۱۵	سرشت آسیب‌پرهیزی -> سبک‌های مقابله‌ حمایتی
۰/۵۷	۰/۵۶	-۰/۰۴	۰/۲۷	۱/۰۸	۰/۰۲	۰/۳۹	۰/۸۵	-۰/۰۶	سرشت آسیب‌پرهیزی -> سبک‌های مقابله غیرحمایتی
۰/۰۳۹	۲/۲۶	۰/۱۲				۰/۰۳۹	۲/۲۶	۰/۱۲	سرشت پاداش وابسته -> نظم‌جویی هیجانی
۰/۱۲	۱/۵۴	۰/۱۲	۰/۲۸	۱/۰۸	۰/۰۱	۰/۲۰	۱/۲۹	۰/۱۰	سرشت پاداش وابسته -> سبک‌های مقابله‌ حمایتی
۰/۰۱	۲/۶۰	-۰/۱۵	۰/۳۴	۰/۹۵	-۰/۰۱	۰/۰۲	۲/۳۸	-۰/۱۴	سرشت پاداش وابسته -> سبک‌های مقابله غیرحمایتی
۰/۰۷	۱/۸۲	۰/۰۹				۰/۰۷	۱/۸۲	۰/۰۹	سرشت نوجویی -> نظم‌جویی هیجانی
۰/۸۴	۰/۱۹	۰/۰۱	۰/۲۸	۱/۰۸	۰/۰۱	۰/۹۹۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سرشت نوجویی -> سبک‌های مقابله‌ حمایتی
۰/۱۴	۱/۴۸	-۰/۱۰	۰/۳۴	۰/۹۵	-۰/۰۱	۰/۱۹	۱/۳۱	-۰/۰۹	سرشت نوجویی -> سبک‌های مقابله غیرحمایتی
۰/۰۰۳	۳/۰۱	-۰/۱۷				۰/۰۰۳	۳/۰۱	-۰/۱۷	سرشت پشتکار -> نظم‌جویی هیجانی
۰/۷۷	۰/۲۹	۰/۰۲	۰/۱۹	۱/۳	-۰/۰۲	۰/۹۲	۰/۰۹	۰/۰۰۱	سرشت پشتکار -> سبک‌های مقابله‌ حمایتی
۰/۰۰۱	۳/۴۰	۰/۲۱	۰/۲۸	۱/۰۷	۰/۰۲	۰/۰۰۳	۲/۹۵	۰/۱۹	سرشت پشتکار -> سبک‌های مقابله غیرحمایتی

به سبک‌های حمایتی و غیرحمایتی مقابله با هیجان‌های منفی نیز معنادار نبود. این یافته‌ها نشان داد منش همکاری و منش خودراهبری تبیین‌کننده سبک‌های حمایتی و غیرحمایتی مقابله با هیجان‌های منفی نیست. منش خودفراروی تبیین‌کننده مستقیم و مثبت سبک‌های حمایتی و سبک‌های غیرحمایتی است. از بین سرشت‌های شخصیت، سرشت آسیب‌پرهیزی به‌طور منفی سبک‌های حمایتی مقابله با هیجان‌های منفی

نتایج جدول ۲ نشان‌دهنده آن است که مسیر مستقیم منش همکاری و منش خودراهبری به نظم‌جویی هیجانی معنادار است اما منش خودفراروی تبیین‌کننده نظم‌جویی هیجان نبود. همچنین نتایج نشان داد مسیر مستقیم سرشت آسیب‌پرهیزی و پشتکار به نظم‌جویی هیجانی به‌طور منفی معنادار و مسیر سرشت پاداش وابسته به نظم‌جویی هیجان به‌طور مثبت معنادار است. نتایج نشان داد مسیر مستقیم نظم‌جویی هیجان

منفی نبود. با توجه به یافته‌های پژوهش هیچ‌یک از مسیرهای واسطه‌ای معنادار نیست و نمی‌توان گفت ویژگی‌های سرشت و منش شخصیت به واسطه نظم‌جویی هیجان، تبیین‌کننده سبک‌های حمایتی و غیرحمایتی مقابله با هیجان‌های منفی والدین است. شاخص‌های برازش مدل در جدول ۴ نیز نشان‌دهنده بهبود شاخص‌ها بعد از اصلاح مدل است اما شاخص NFI مدل بعد از اصلاح به آستانه مورد نظر نرسیده است.

را تبیین کرد درحالی‌که تبیین‌کننده سبک‌های غیرحمایتی مقابله با هیجان‌های منفی نبود. سرشت پاداش وابسته به‌طور منفی سبک‌های غیرحمایتی مقابله با هیجان‌های منفی را تبیین کرد درحالی‌که تبیین‌کننده سبک حمایتی مقابله با هیجان‌های منفی نبود. سرشت پشتکار نیز به‌طور مثبت و مستقیم تبیین‌کننده سبک‌های غیرحمایتی مقابله با هیجان‌های منفی بود در حالی‌که سرشت پشتکار تبیین‌کننده سبک‌های حمایتی مقابله با هیجان‌های

جدول ۴  
شاخص برازش قبل و بعد از اصلاح مدل

معیار	بعد از اصلاح مدل		قبل از اصلاح مدل		شاخص‌های برازش
	مدل برآورد شده	مدل اثرباع	مدل برآورد شده	مدل اثرباع	
$> 0/10$	$0/09$	$0/09$	$0/11$	$0/10$	SRMR
$< 0/90$	$0/70$	$0/70$	$0/60$	$0/60$	NFI

همسو با مدل فرایند والدگری بلسکی (۱۹۸۴) و پژوهش‌هایی است که نشان می‌دهد شخصیت باعث می‌شود تمایل به رفتار و نحوه پاسخ والدین به موقعیت‌های مختلف والدگری هیجانی متفاوت باشد و به‌تبع، نحوه اجتماعی‌سازی هیجانی نیز در آن‌ها متفاوت است (آیزنبرگ، ۲۰۲۰؛ شریفی اردانی و دیگران، ۲۰۲۳ و کوآی و دیگران، ۲۰۲۰)، در تبیین این یافته می‌توان گفت بر اساس نظر کلونینجر (۱۹۸۷) سرشت آسیب‌پرهیزی که از بازداری رفتاری در پاسخ به نشانه‌های تنبیه یا فقدان پاداش در شخصیت حاصل می‌شود، در فرد ویژگی‌هایی چون احتیاط، کمرویی، تردید در انجام امور، حساس به انتقاد و تنبیه، بدبینی و سازش‌نیافتگی با تغییرات محیطی، خستگی‌پذیری بالا را پدید می‌آورد. همان‌طور که نتایج این پژوهش نشان داد سرشت آسیب‌پرهیزی منجر به کاهش سبک‌های حمایتی مقابله با هیجان‌های منفی می‌شود، بنابراین، به‌نظر می‌رسد که آسیب‌پرهیزی عاملی است که می‌تواند والدین را از برخورد حمایتی دور سازد، اگرچه نتایج نشان داد که این سرشت با نظم‌جویی هیجانی والدین رابطه منفی دارد که قابل‌تأمل است و با

مدل نهایی به لحاظ شاخص‌های برازش مدل قبل از اصلاح مدل ( $SRMR=0/11$ ،  $NFI=0/06$ ) و بعد از اصلاح مدل ( $SRMR=0/09$ ،  $NFI=0/07$ ) است که نشان‌دهنده بهبود شاخص‌ها بعد از اصلاح مدل است.

### بحث

با توجه به یافته‌های پژوهش سرشت آسیب‌پرهیزی به‌طور منفی سبک‌های مقابله با هیجان‌های منفی حمایتی و اما سرشت پاداش وابسته به‌طور منفی سبک‌های غیرحمایتی مقابله با هیجان را تبیین کرد. سرشت پشتکار نیز به‌طور مثبت و مستقیم تبیین‌کننده سبک‌های غیرحمایتی مقابله با هیجان بود و در سایر مسیرها سرشت‌های شخصیت تبیین‌کننده سبک‌های مقابله‌ای هیجانی والدین دارای فرزند درخودمانده نبود. یافته‌ها نشان داد منش همکاری و منش خودراهبری تبیین‌کننده سبک‌های حمایتی و غیرحمایتی مقابله با هیجان‌های منفی نیستند اما منش خودفراروی تبیین‌کننده مستقیم و مثبت سبک‌های حمایتی و غیرحمایتی مقابله با هیجان‌های منفی است. این یافته‌ها تا حدی

در خودمانده موجب شده که این والدین در برابر مشکلات مداوم فرزندان خود سخت‌کوشی و پشتکار بیشتری نشان دهند و حتی با اتخاذ سبک‌های غیرحمایتی مقابله با هیجان‌های منفی مانند تنبیه و کمینه‌سازی سعی در برطرف کردن مشکلات فرزند خود دارند. با این حال در این پژوهش، سرشت پشتکار با نظم‌جویی هیجانی در والدین رابطه‌ای منفی دارد که این نتیجه نیز قابل توجه است. چراکه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های پشتکار، سخت‌کوشی و صبر می‌تواند منجر به نظم‌جویی هیجانی در افراد شود (خرمائی و دیگران، ۲۰۱۶ و اقایوسفی و دیگران، ۲۰۱۷). البته این فرایند در والدین دارای فرزند در خودمانده می‌تواند متفاوت باشد؛ سخت‌کوشی و پشتکار می‌تواند منجر به پیگیری روش‌هایی خاص شود و با کاهش توانایی فرد در مهار برخی از برانگیختگی‌های هیجانی همراه باشد، با راهبرد نظم‌جویی هیجانی در والدین تداخل کند، والدین را به انطباق‌پذیری با موقعیت هیجانی سوق دهد و به‌جای نظم‌جویی هیجان در موقعیت‌های دشوار بیشتر به مهار پیامدهای رفتاری فرزند تأکید شود و در مواقعی نیز این مهارهای رفتاری فاقد مؤلفه‌های نظم‌جویی هیجان است.

یافته‌ها نشان داد منش همکاری و منش خودراهبری تبیین‌کننده سبک‌های حمایتی و غیرحمایتی سبک‌های مقابله با هیجان‌های منفی نیستند، اما منش خودفراروی تبیین‌کننده مستقیم و مثبت سبک‌های حمایتی مقابله با هیجان‌های منفی و سبک‌های غیرحمایتی است. منش خودفراروی بر پایه مفهوم از خویش به‌عنوان بخشی از جهان و منابع اطراف آن است و افراد با نمره بالا مستعد تجربه اوج هستند، پذیرای جهان به هر شکل ممکن با ایمان، متانت و صبوری و آرمان‌گرا هستند، تجربه‌های فرا حسی را باور دارند و به هنر عشق می‌ورزند. افراد با نمره پایین در این مقیاس، ظرفیت تصویر ذهنی پایینی

توجه به ویژگی‌های افراد آسیب‌پرهیز می‌توان گفت این ویژگی سرشتی شخصیت می‌تواند منجر به کاهش نظم‌جویی هیجانی در والدین شود. اما ارتباط ویژگی‌های شخصیت با نظم‌جویی هیجانی می‌تواند همسو با پژوهش‌هایی باشد که شخصیت والدین را عاملی مهم در اجتماعی‌سازی هیجانی فرزندان از سوی والدین می‌دانند (شریفی اردانی و دیگران، ۲۰۲۳ و کوآی و دیگران، ۲۰۲۰). از سوی سرشت پاداش وابسته منجر به کاهش سبک‌های غیرحمایتی مقابله با هیجان‌های منفی والدین شد و این بُعد از سرشت والدین که منعکس‌کننده تفاوت‌های افراد در سیستم مغزی مرتبط با نظم‌جویی و به‌ویژه نشانه‌های اجتماعی است و دارای خصوصیتی چون مهربان و صمیمی، گرایش به وابستگی و تعلق اجتماعی، همدلی، نیاز به تأیید دیگران و حساسیت به طرد و بی‌مهری و حساس به انتقاد است (کلونینجر، ۱۹۸۷)، به نظر می‌رسد که این خصوصیات سرشتی بتوانند کاهنده سبک‌های غیرحمایتی مقابله با هیجان‌های منفی والدین باشند، اما بر اساس نتایج این پژوهش، سرشت پاداش وابسته با نظم‌جویی هیجانی در والدین رابطه مثبت دارد که این خود می‌تواند تأییدکننده نقش مثبت این سرشت در سبک‌های مقابله با هیجان‌های منفی است چراکه این سرشت هم می‌تواند منجر به کاهش سبک‌های غیرحمایتی مقابله با هیجان‌های منفی والدین شده و از سوی افزایش نظم‌جویی هیجانی در والدین است که پیامدی مثبت در حوزه والدگری است.

سرشت پشتکار منجر به تشدید سبک‌های غیرحمایتی مقابله با هیجان‌های منفی در والدین دارای فرزند در خودمانده شد. ویژگی‌های افراد در این سرشت، سخت‌کوشی، تداوم در عمل با وجود فشارها، پیش‌قدمی در انجام امور، انطباق‌پذیری در برابر شرایط پیش‌بینی‌نشده و چالش‌گری در برابر سختی کار است (کلونینجر، ۱۹۸۷). به نظر می‌رسد وجود سرشت پشتکار در والدین با فرزندان

ویژگی‌هایی چون وحدت، احترام، عزت، اثربخشی، رهبری و امید است؛ این ویژگی‌ها می‌تواند به‌ویژه در مؤلفه‌های نظم‌جویی هیجانی چون مهار برانگیختگی، وضوح هیجانی، رفتار هدفمند و راهبردهای نظم‌جویی هیجانی والدین مؤثر باشند. با توجه به یافته‌های پژوهش هیچ‌یک از مسیرهای واسطه‌ای معنادار نیست و نمی‌توان گفت ویژگی‌های سرشت و منش شخصیت به‌واسطه نظم‌جویی هیجان، تبیین‌کننده سبک‌های حمایتی و غیرحمایتی مقابله‌ای والدین است. البته این یافته ناهمسو با پژوهش‌هایی است که به نقش نظم‌جویی هیجان در شکل‌گیری اجتماعی‌سازی هیجانی کودکان اشاره داشته‌اند (برای مثال اورناگی و دیگران، ۲۰۱۹؛ شریفی اردانی و دیگران، ۲۰۲۳؛ والتنه و دیگران، ۲۰۲۰؛ هازل و پالی، ۲۰۲۰). در تبیین این یافته می‌توان گفت در موقعیت‌های تنیدگی‌زای اجتماعی شرایط خاصی برای والدین داری فرزند درخودمانده وجود دارد که ویژگی‌های سرشتی و منشی والدین به‌واسطه افزایش یا کاهش نظم‌جویی هیجانی نمی‌توانند منجر به برخوردی حمایتی یا غیرحمایتی در موقعیت‌های دشوار هیجانی و اجتماعی شود. به‌نظر می‌رسد نقش عوامل تأثیرگذار موقعیتی و غیر فردی نیز در شکل‌گیری واکنش‌های والدین و نظم‌جویی هیجانی والدین می‌تواند تأثیر داشته باشد، به‌طوری که در پژوهش شریفی اردانی و خرمایی (۲۰۲۲) به نقش عواملی چون سرمایه اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری واکنش‌های مقابله‌ای هیجانی والدین در جامعه ایران اشاره شده است. ازجمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به طرح پژوهش اشاره کرد که از نوع همبستگی است، لذا باید در استنباط علی جانب احتیاط رعایت شود. از سوی دیگر این پژوهش روی والدین دارای فرزندان درخودمانده انجام شده است و امکان تعمیم نتایج را به سایر والدین محدود می‌سازد. بنابراین پیشنهاد می‌شود محققان در پژوهش‌های آینده از گروه والدین عادی

دارند، کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، برای دیگران کسل‌کننده‌اند، مادی‌گرا و عینی هستند و در مورد طبیعت احساس مسئولیت نمی‌کنند. به‌نظر می‌آید والدین دارای منش خودفراروی می‌توانند در برخورد با فرزند خود حمایتی باشند چرا که خود را بخشی از جهان می‌دانند لذا تجربه‌های هیجانی فرزندان نیز بخشی از محیط پیرامون است. این افراد آرمان‌گرا هستند و می‌خواهند فرزندشان واکنش بهتری با موقعیت هیجانی داشته باشند. بنابراین، ارتباط منش خودفراروی با سبک‌های غیرحمایتی مقابله با هیجان‌های منفی نیز می‌تواند به‌دلیل آرمان‌گرا بودن و بی‌تفاوت نبودن والدین باشد. والدین دارای خودفراروی بالاتر توانایی تصور ذهنی بالاتری دارند بنابراین، بیشتر تحت تأثیر رفتارهای فرزند خود در موقعیت‌های هیجانی قرار می‌گیرند و از این‌رو واکنش‌های بیشتری در این موقعیت‌ها نشان می‌دهند و انتظارات بیشتری نیز از فرزند خود دارند.

در ارتباط با منش‌ها نتایج نشان داد که منش همکاری و خودراهبری می‌تواند منجر به افزایش نظم‌جویی هیجانی در والدین دارای فرزند درخودمانده شود؛ منش خودفراروی تبیین‌کننده نظم‌جویی هیجانی در این والدین نبود. این بخش از یافته‌ها همسو با پژوهش‌هایی است که بر رابطه ویژگی‌های سرشت و منش شخصیت با نظم‌جویی هیجان در افراد تأکید دارند (بشرپور و دیگران، ۲۰۱۷ و برادران، ۲۰۱۷).

بر اساس نظریه کلونینجر (۱۹۸۷) منش همکاری بر اساس پنداشت از خویشتن به‌عنوان بخشی از جهان انسانی و جامعه قرار دارد که از آن حس اجتماعی، رحم و شفقت، وجدان و تمایل به انجام امور خیریه مشتق می‌شود. این ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند به افزایش ظرفیت نظم‌جویی هیجان در والدین کمک کند. منش خودراهبری نیز بر اساس برداشت از خویشتن به‌عنوان فردی مستقل است که دارای زیرمجموعه‌ای از

تمامی والدین محترم ساکن در شهر بندرعباس که صمیمانه در انجام این پژوهش همکاری کردند، نهایت سپاس و قدردانی را به عمل آورند.

برای مقایسه با والدین کودکان درخودمانده استفاده کنند.

## تشکر و قدردانی

نویسندگان پژوهش بر خود لازم می‌دانند از

## منابع

- Aghayousefi, A. R., Tarkhan, M., & Farmani, A. (2017). The role of the Big Five Factors of personality in predicting cognitive emotion regulation strategies with the mediating role of patience components. *Clinical Psychology Studies*, 7(26), 43-64. [In Persian].
- Baradaran, M. (2017). Comparison of temperament and character dimensions and cognitive emotion regulation in anxious and normal students. *Social Cognition*, 6(1), 67-76.
- Basharpour, S., Etarod, N., & Eini, S. (2017). Temperament and character dimensions and depression: The mediating role of cognitive emotion regulation. *Thoughts and Behavior in Clinical Psychology*, 12(43), 27-36. [In Persian].
- Belsky, J. (1984). The determinants of parenting: A process model. *Child Development*, 55(1), 83-96.
- Bunford, N., Dawson, A. E., Evans, S. W., Ray, A. R., Langberg, J. M., Owens, J. S., & Allan, D. M. (2020). The difficulties in emotion regulation scale-parent report: A psychometric investigation examining adolescents with and without ADHD. *Assessment*, 27(5), 921-940.
- Cai, R. Y., Richdale, A. L., Uljarević, M., Dissanayake, C., & Samson, A. C. (2018). Emotion regulation in autism spectrum disorder: Where we are and where we need to go. *Autism Research*, 11(7), 962-978.
- Cloninger, C. R. (1987). A systematic method for clinical description and classification of personality variants. *Archives of General Psychiatry*, 44, 573-588.
- Cloninger, C. R. (1991). Brain networks underlying personality development. In B. J. Carroll & J. E. Barrett (Eds.), *Psychopathology and the brain* (pp. 183-20). New York: Raven Press.
- Cloninger, C. R., Przybeck, T. R., Svrakic, D. M., & Wetzel, R. D. (1994). *The Temperament and Character Inventory: A guide to its development and use*. St-Louis, MO: Washington University.
- Cloninger, C. R., & Svrakic, D. M. (1994). Differentiating normal and deviant personality by the seven factor personality model. In S. Strack & M. Lorr (Eds.), *Differentiating normal and abnormal personality*. New York: Springer Publishing Co.
- Cui, L., Criss, M. M., Ratliff, E., Wu, Z., Houlberg, B. J., Silk, J. S., & Morris, A. S. (2020). Longitudinal links between maternal and peer emotion socialization and adolescent girls' socioemotional adjustment. *Developmental Psychology*, 56(3), 595-607.
- Eisenberg, N. (2020). Findings, issues, and new directions for research on emotion socialization. *Developmental Psychology*, 56(3), 664-670.
- Eisenberg, N., Cumberland, A., & Spinrad, T. L. (1998). Parental socialization of emotion. *Psychological Inquiry*, 9, 241-273.
- Eisenberg, N., Fabes, R. A., & Murphy, B. C. (1996). Parents' reactions to children's negative emotions: Relations to children's social competence and comforting behavior. *Child Development*, 67(5), 2227-2247.
- Fabes, R. A., Eisenberg, N., & Bernzweig, J. (1990). *Coping with Children's Negative Emotions Scale*. Marriage & Family Review.
- Fabes, R. A., Poulin, R. E., Eisenberg, N., & Madden-Derdich, D. A. (2002). The coping with children's negative emotions scale (CCNES): Psychometric properties and relations with children's emotional competence. *Marriage and Family Review*, 34, 285-310.
- Gratz, K. L., & Roemer, L. (2004). Multidimensional assessment of emotion regulation and dysregulation: Development, factor structure, and initial validation of the Difficulties in Emotion Regulation Scale. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 26, 41-54.
- Hair, J. F., Hult, G. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. A. (2016). *Primer on partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM)*. SAGE Publications, Inc.

- Hajal, N. J., & Paley, B. (2020). Parental emotion and emotion regulation: A critical target of study for research and intervention to promote child emotion socialization. *Developmental Psychology*, *56*(3), 403–417.
- Haqshan, H. (2009). *Personality Psychology*. Shiraz: University of Medical Sciences Publications.
- Hojati, M., Ghadampoor, E., Abbasi, M., & Senobar, A. (2019). Children behavioral disorder and mothers' stress: The mediating role of fatigue and coping strategies. *Journal Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, *16*(62), 215-228. [In Persian].
- Kaviani, H., & Poor Naseh, M. (2005). Validation Of Temperament and Character Inventory in Iranian Sample: Normative Data. *Tehran University Medical Journal*, *63* (2), 89-98. [In Persian].
- Ketabi, S., Maher, F., & Barjali, A. (2008). Studying the personality profile of drug addicts by utilizing two models of Cloninger and Eysneck. *Etiadpajohi*, *2* (7), 45-54. [In Persian].
- Khormaei, F., Azadi Dehbidi, F., & Haghjoo, S. (2016). The study of structural model of relationship between patience and difficulty in emotion regulation. *Journal of Research in Psychological Health*, *10*(1), 22-31. [In Persian].
- Martínez-González, A. E., Cervin, M., & Piqueras, J. A. (2022). Relationships between emotion regulation, social communication and repetitive behaviors in Autism Spectrum Disorder. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, *52*(10), 4519-4527.
- Mazefsky, C. A., Borue, X., Day, T. N., & Minshew, N. J. (2014). Emotion regulation patterns in adolescents with high-functioning autism spectrum disorder: Comparison to typically developing adolescents and association with psychiatric symptoms. *Autism Research*, *7*(3) , 344–354.
- Mirzaei, S. S., Pakdaman, S., & Alizade, E. (2020). Designing a program for the generalization of social skills in adolescents with high-functioning autism: Application of cognitive model of social information processing. *Journal Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, *16*(64) , 365-378. [In Persian].
- Oghbaee S., Ahi Q., Shahabizadeh F., & Mansouri A. (2020). Modeling of psychotic experiences in abused women in relation to intimate partner violence: The mediating role of temperament and character dimensions. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, *8* (4) , 46-56.
- Ornaghi, V., Agliati, A., Pepe, A., & Gabola, P. (2019). Patterns of association between early childhood teachers' emotion socialization styles, emotion beliefs and mind-mindedness. *Early Education and Development*, *31*(1), 47-65.
- Sharifi Ardani A., & Khormaei, F. (2022). The relationship between parents social and cultural capital with children's social skills: The mediating role of parents' styles in coping styles with children's negative emotionss, *Social Psychology Research*, *11*(45), 121-142. [In Persian].
- sharifi ardani, A., Yavari, F., Sajjadipour, F. S., Yazdani, S., & Akrami Abargoi, G. (2023). Investigating the role of parents' character strengths in explaining emotional socialization concerning the mediation role of emotion regulation. *Social Psychology Research*, *13*(49), 45-60. [In Persian].
- Valiente, C., Swanson, J., DeLay, D., Fraser, A. M., & Parker, J. H. (2020). Emotion-related socialization in the classroom: Considering the roles of teachers, peers, and the classroom context. *Developmental Psychology*, *56*(3), 578–594.